
سرشناسه: ناردو، دان، ۱۹۴۷ - م.
Nardo, Don

عنوان و نام پدیدآور: اتروسک‌ها / دان ناردو؛ ترجمه نادر میرسعیدی.
مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری: ۱۳۹ ص. مصور.
فروست: تمدن‌های گمشده: ۱.
شابک: 978-964-311-760-3
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.
یادداشت: عنوان اصلی: The Etruscans, 2005
یادداشت: واژه‌نامه.
یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۳۱] - ۱۳۲.
یادداشت: تمایه.
موضوع: اتروسک‌ها - ادبیات نوجوانان.
شناسه افزوده: میرسعیدی، نادر، ۱۳۳۵ - ، مترجم.
رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۷ الف ۲/ن ۲۲۳/د ج
رده‌بندی دیویی: ۹۳۷/۵۰۱
شماره کتابخانه ملی: ۱۲۸۱۷۳۹

اتروسک‌ها

دان ناردو

ترجمهٔ نادر میرسعیدی

این کتاب توسط مسعود کوهی ولسکن و پی‌دی اف شده است

درس صفحه من در وبسایت کلوب

http://www.cloob.com/name/opportunist_edge007

و بلاگ من

<http://ketabestan4uiran.blogspot.com/>



این کتاب ترجمه‌ای است از:

The Etruscans

Don Nardo

Thomson Gale, 2005



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری

شماره ۲۱۵، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

* * *

دان ناردو

اتروسک‌ها

ترجمه نادر میرسعیدی

چاپ اول

۳۰۰۰ نسخه

زمستان ۱۳۸۷

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۳ - ۷۶۰ - ۳۱۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 964 - 311 - 760 - 3

info@qoqnoos.ir

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

۳۸۰۰ تومان

فهرست

پیشگفتار: برداشتن پردهٔ راز	۷
۱. ریشه‌ها و ظهور فرهنگ اتروسکی	۱۵
۲. پیدایش سریع دولت‌شهرهای اتروسکی	۳۱
۳. اتروسک‌ها در اوج قدرت خود	۴۹
۴. فرهنگ، هنرها، و صنایع اتروسکی	۶۵
۵. خانه‌ها، جامعه و فعالیت‌های زمان فراغت اتروسک‌ها	۸۱
۶. عصر کلاسیک: اتروسک‌ها در انحطاط	۹۹
مؤخره: پایان تمدن اتروسکی	۱۱۳
یادداشت‌ها	۱۲۳
گاهشمار	۱۲۷
برای مطالعهٔ بیشتر	۱۳۱
آثار مورد استفاده قرار گرفته	۱۳۳
نمایه	۱۳۷

برداشتن پرده‌راز

اتروسک‌ها قومی سرزنده و بسیار پیشرفته بودند که در هزارهٔ نخست ق.م در بخش وسیعی از ایتالیا ساکن بودند. یکی از مورخان بزرگ اوایل سدهٔ بیستم میلادی در سال ۱۹۴۴م در بارهٔ آن‌ها چنین گفته است:

[در ۱۲۰۰ ق.م، اتروسک‌ها] همچنان در خاور نزدیک زندگی می‌کردند و هنوز به سمت غرب مهاجرت نکرده بودند... برخی از اتروسک‌ها در جزایر یونانی ساکن بودند... [بعدها در ایتالیا] هراس طوایف لاتین [از جمله رمی‌ها] از حملهٔ اتروسک‌ها احساس شد... شاهان اتروسک به زودی قدرت خود را بر سراسر قبایل لاتین گسترده... به این ترتیب رم، همانند سایر شهرهای اتروسکی، به یک شهر - پادشاهی تحت سلطهٔ شاهی اتروسک تبدیل شد... و به مدت دو و نیم سده چنین باقی ماند... تمدن رم در اساس اتروسکی شد.^(۱)

کار سخت باستان‌شناسان و ارزش ذاتی باستان‌شناسی به عنوان یک علم، درخور ستایش است، زیرا باستان‌شناسان ثابت کرده‌اند که همهٔ نکات مطرح شده در بند پیشین یا غلط یا مبالغه‌آمیز و گمراه‌کننده بوده است. اولاً، اکثریت بزرگی از دانشمندان در حال حاضر تصور می‌کنند که اتروسک‌ها بومی ایتالیا بوده‌اند، نه مهاجرانی از خاور نزدیک. بدین ترتیب که ساکنان اولیهٔ اتروریا^۱ (ناحیهٔ شمال ایتالیا که اکنون توسکانی^۲ خوانده می‌شود) در عصر سنگ و عصر مفرغ سرانجام تبدیل به قومی شدند که دیگران آن‌ها را اتروسک خواندند. (اتروسک‌ها خود را راسنا^۳ می‌نامیدند.)

ثانیاً، اندیشهٔ یک حملهٔ قدرتمندانهٔ اتروسک‌ها، جایگزین شدن، و تصرف نظامی رم، اگر کاملاً کنار گذاشته نشده، شدیداً مورد جدل قرار گرفته است. کارشناسان پذیرفته‌اند که چند شاه اولیهٔ رم اتروسک بوده‌اند و فرهنگ اولیهٔ رم قویاً تحت تأثیر فرهنگ همسایگان

اتروسک آن قرار گرفت. ولی در حال حاضر عموماً این عقیده وجود دارد که این امر، جریانی مسالمت‌آمیز و داوطلبانه بوده است؛ رمی‌های از لحاظ فرهنگی کم‌تر پیشرفته به خود اجازه دادند که تا حدی «اتروسک‌مآب» باشند، با وجود این در اساس یک شهر لاتین مستقل باقی ماندند. به علاوه، بسیاری از فرض‌های وسیعاً پذیرفته شده در باره اتروسک‌ها، با پیدا شدن مداوم مدارک جدید، باید مورد بازاندیشی قرار گیرند.

ماهیت مدارک

دو دلیل عمده وجود دارد که چرا دانشمندان مدتی چنین طولانی این همه در مورد اتروسک‌ها اشتباه کردند. دلیل نخست مربوط است به عقاید و روش‌ها در داخل خود جامعه علمی. درست تا سده بیستم میلادی، اکثر مورخان، مدارک به دست آمده در حفاری‌های باستان‌شناختی را دارای درجه دوم اهمیت می‌دانستند یا فقط به عنوان مکمل

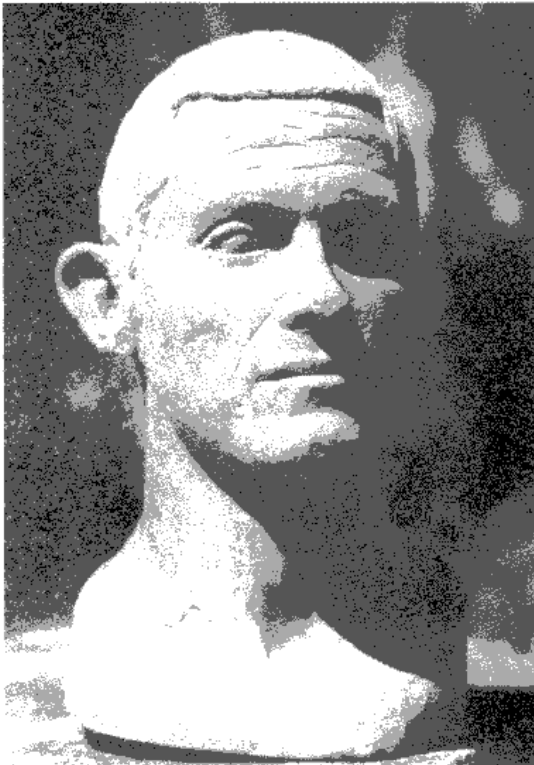


در این نقاشی دیواری از مقبره پلنگان در شهر اتروسکی تارکوینی، یک مهمانی شام ترسیم شده است. بیش‌تر مدارک مربوط به اتروسک‌ها از مقابر به دست آمده است.

منابع مکتوب باستانی، که آن‌ها را مقدم به شمار می‌آوردند، مورد ملاحظه قرار می‌دادند. چنان‌که دانشمندان معروف گریم بارکر و تام راسموسن توضیح داده‌اند:

زمانی، نه مدت زیادی قبل، بود، که ارتباط میان تاریخ و باستان‌شناسی می‌توانست این چنین ساده مشخص شود، یا دست‌کم به نحوی تمسخرآمیز مورد مبالغه قرار گیرد: باستان‌شناسی روش پرخرجی بود برای گفتن چیزهایی به مورخان که آن‌ها قبلاً می‌دانستند... و اگر بر چیزی مغایر با منابع مکتوب دلالت می‌کرد، به وضوح غلط بود!... در زمانی جدیدتر که مورخان و باستان‌شناسان آموخته‌اند به نحوی نزدیک‌تر با یکدیگر کار کنند، دو مجموعه تمایل داشته‌اند که ارتباط را مساوی توصیف کنند... دانشمندان بسیاری می‌گویند که... تاریخ و باستان‌شناسی بیش‌تر بررسی واحد گذشته انسانند تا وسایل متفاوت دسترسی به آن. همه منابع ما، چه گزارش‌های مکتوب... چه اطلاعات به دست آمده از حفاری، منابع «باستان‌شناختی» محسوب

می‌شوند، به این معنی که آن‌ها شامل منبع واحدی از فرهنگ مادی‌اند که... از گذشته باقی مانده است.^(۲)



یکی از چند مجسمه بالاتنه اتروسکی، که فردی ناشناخته را نشان می‌دهد.

دلیل عمده دومی که دانشمندان مدارک مربوط به اتروسک‌ها را مدتی طولانی به اشتباه فهمیدند، میزان ماهیت آن مدارک بود. در اصل، این مدارک نسبتاً اندک بودند (و باقی مانده‌اند)، به خصوص هنگامی که با حجم زیاد مدارک باقی مانده در مورد یونانیان و رمی‌هایی که طی همان دوره اتروسک‌ها زندگی می‌کردند مقایسه شوند. علل این کمی مدارک کاملاً به خوبی درک شده است. اولاً، زبان اتروسکی هنوز به طور کامل رمزگشایی نشده است. و حتی اگر این امر فردا اتفاق بیفتد، نتیجه

حاصل اندک خواهد بود، زیرا فقط چند نمونه غالباً مختصر از خط اتروسکی یافت شده است. بنابراین هیچ وقایع‌نامه یا متن تاریخی اتروسکی کهنی وجود ندارد. به این ترتیب بیش‌تر افراد و وقایع مهم تاریخ اتروسک‌ها واقعاً ناشناخته‌اند.

همچنین مسئله آنچه باستان‌شناسان «روساخت» می‌خوانند، وجود دارد. به طور ساده، مکان‌های بسیاری از شهرهای اتروسکی چنان سوق‌الجیشی و به خوبی انتخاب شده بودند که هرگز متروک نشدند. پس از زوال تمدن اتروسکی، رومی‌ها و اروپاییان سده‌های میانه و اروپاییان جدید سکونتگاه‌های خود را دقیقاً بر روی سکونتگاه‌های قدیمی‌تر بنا کردند. به این ترتیب اکثر خرابه‌ها و مصنوعات اتروسکی عمیقاً در زیر چند لایه سکونتگاه، از جمله خیابان‌ها و خانه‌های شهری نوین، قرار گرفته‌اند. و عده کمی، اگر اصلاً کسانی باشند، از ساکنان امروزی مایلند خانه‌هایشان در راه دانش رو به پیشرفت تاریخ آسیب ببینند.

و اما اکثر خرابه‌های اتروسکی که در نواحی قابل دسترس باقی مانده‌اند، قبرهای کهن هستند که بیش‌تر اقوام بعدی ترجیح داده‌اند بر روی آن‌ها چیزی نسازند. با وجود این، آنچه



گیاهان، بیرون یک مقبره زیرزمینی باستانی را، که یکی از مقابر پرشمار یافت شده نزدیک شهر اتروسکی کاتره است، پر کرده‌اند.

به واسطه پیشرفت انسان مدفون نشد، به واسطه حرص انسان دچار آسیب گردید. بیش تر محتویات اکثر مکان‌های تدفین اتروسکی هم در ادوار باستان و هم در ادوار جدید غارت شده‌اند. (یک دزد ایتالیایی جدید قبرها، یعنی لوئیجی پرتیکاراری، به وسیله فروش اشیایی که شخصاً از چهارهزار قبر اتروسکی سرقت کرده بود، به زندگی مجللی دست یافت.) به این ترتیب، باستان‌شناسان و مورخان باید تلاش کنند تا تصویری مرتبط از کل یک تمدن را تا حد زیادی براساس مصنوعات اندکی که دزدان و نیروهای طبیعی دست‌نخورده باقی گذاشته‌اند، سرهم‌بندی کنند.

با وجود این، ولو این‌که نوشته‌ها و مصنوعات اتروسکی ناقص باشند، در مورد نوشته‌های سایر اقوام باستانی در باره اتروسک‌ها چه باید گفت؟ حقیقت آن است که اتروسک‌ها در انزوا پدیدار نشدند. بلکه، از یونانیان، که مدتی طولانی با آنان در ارتباط متقابل بودند، عمیقاً تأثیر پذیرفتند. و اتروسک‌ها، به نوبه خود، تأثیری درست همان قدر عمیق بر رمی‌ها گذاشتند، که سرانجام قوم اتروسک و سرزمین‌های آن‌ها را در خود جذب کردند. شخص انتظار دارد که یونانیان و رومی‌ها حقایق مهمی را در باره قومی که زمانی بر بخش‌های وسیعی از شبه جزیره ایتالیا سلطه داشت، ثبت کرده باشند. اما متأسفانه این‌گونه نیست. هرچند یونانیان و رومی‌ها در باره اتروسک‌ها مطلب نوشته‌اند، اما قطعات باقی مانده بسیار سطحی، نامهربانانه یا تنگ‌نظرانه و بسیار متعصبانه‌اند. مایکل گرانت مورخ مشهور و پرتالیف چنین توضیح داده است:

آثار یونانی و لاتین باقی مانده‌ای که در آن‌ها از اتروسک‌ها سخن گفته شده است، در این راستا قرار دارند که به نحوی شتاب‌زده، و فقط هنگامی که علائق آن‌ها بر آن قرار گرفته است که به طریقی با امور یونان و روم ارتباط یابند، از اتروسک‌ها سخن بگویند. و حتی در آن هنگام، عملکرد اتخاذ شده توسط این نویسندگان، ساده و جاهلانه و بالاتر از همه، غالباً، و در حقیقت تقریباً به طور ثابت، دستخوش دخالت تعصبات خصمانه است.^(۳)

برآمدن قومی گمشده از تاریکی

در نتیجه همه این مسائل، برای مدتی طولانی در بیش تر کتاب‌ها و مقالات راجع به اتروسک‌ها همواره به آن‌ها به عنوان قومی «اسرارآمیز» یا «معمایی» اشاره می‌شد. در سال ۱۹۸۴م در یک کتاب مردم‌پسند مخصوص مطالعه پشت میز قهوه‌خوری در باره تمدن‌های باستانی، آن‌ها «اتروسک‌های غیرقابل درکی» که «در زمره اسرارآمیزترین تمدن‌های گمشده باقی مانده‌اند»^(۴) خوانده شدند.



تابوت‌های سنگی و سفالی یک مقبره اتروسکی مربوط به سده چهارم ق.م را پر کرده‌اند. ساختن مجسمه مردگان بر روی سرپوش تابوت‌ها مرسوم بود.

با وجود این، خوشبختانه پرده راز پوشاننده اتروسک‌ها و فرهنگ پرتأثیر آن‌ها مداوماً، هر چند به کندی، در حال کنار رفتن است. اولیاء امور در شماری از شهرهای ایتالیا دارند اجازه حفاری‌های محدود در مکان‌های شهری منتخب را می‌دهند. این حفاری‌ها دارند مصنوعات جدیدی را به دست می‌دهند که تصاویر گذرای کوچک اما گرانبهایی از زندگی اتروسک‌ها را فراهم می‌کنند. ضمناً، پیدایش مجدد علاقه به اتروسک‌ها در سال‌های اخیر منجر به شماری حفاری در زمینه اتروسک‌ها گردیده است. در نتیجه، جاده‌ها، بنا‌در، مزارع، استحکامات و سایر جنبه‌های تمدن اتروسکی که مدتی طولانی در نواحی روستایی مدفون مانده بودند، به تدریج آشکار می‌شوند. فنون پیشرفته باستان‌شناسی به آشکار شدن این مکان‌ها و نیز قبرهای بیش‌تر اتروسکی کمک می‌کنند. مته‌های مخصوص به طرف قبرها حفره ایجاد می‌کنند و پژوهشگران دوربین‌های کوچک را از میان حفره‌ها به پایین می‌فرستند تا ببینند چه چیز در داخل قبرها وجود دارد که ارزش بیرون آوردن به وسیله حفاری را داشته باشد.

به علاوه، یک شهر معدنی اتروسکی، که ساختمان‌های متأخرتری بر روی آن ساخته نشده بود، اخیراً کشف شده است. این شهر که آکسسا^۱ (از روی نام دریاچه‌ای در نزدیکی آن) نامیده شده است، نزدیک شهر امروزی ماسا ماریتیما^۲، در جنوب توسکانی، قرار دارد. تاکنون چند جریب حفاری شده است و خانه‌ها و خیابان‌های واقعی اتروسکی آشکار شده‌اند. این مکان چنان امکان زیادی برای افزایش دانش در باره سازندگان آن دارد که افراد بسیاری آن را «پمپنی^۳ اتروسکی» نامیده‌اند (پمپنی شهر رومی معروفی بود که به علت فوران آتشفشان مدفون شد، اما بخش عمده‌ای از بقایای آن سالم باقی مانده است).

دانشمندان نیز مشغول بررسی و ارزیابی مجدد و دقیق مصنوعات اتروسکی‌اند. آن‌ها هنگامی که در باره این قوم باستانی جاذب اطلاع بیشتری پیدا می‌کنند، غالباً درمی‌یابند که اشیاء مدت‌ها قبل کشف شده مفاهیمی تازه و گاه غیرمنتظره پذیرفته‌اند. هماهنگی یافته‌ها و نظریه‌های جدید و قدیمی نیز رو به پیشرفت است. در مارس ۲۰۰۳، اتروسک‌شناسان از سراسر جهان برای مقایسه ملاحظات در موزه باستان‌شناسی دانشگاه پنسیلوانیا در فیلادلفیا تشکیل جلسه دادند. گردهمایی‌های بیش‌تری برای آینده برنامه‌ریزی شده است. به علاوه، نمایش مصنوعات اتروسکی در موزه‌های اروپا و آمریکای شمالی در دهه ۱۹۸۰ م معمول گردید، و به گفته نیگل اسپوی^۴ مورخ هنر باستان، «نیروی حرکتی نمایش‌ها هنوز نشانه‌ای از ضعف شدن بروز نداده است.»^(۵) اسپوی و سایر دانشمندان امیدوارند که حفاری‌ها، بررسی‌ها، و نمایش‌ها یکی از تمدن‌های جهان باستان را از سده‌ها غفلت و تاریکی بیرون آورند.

1. Accesa

2. Massa Marittima

3. Pompeii

4. Nigel Spivey

ریشه‌ها و ظهور فرهنگ اتروسکی

یک دلیل که اتروسک‌ها را مدتی طولانی اسرارآمیز می‌دانستند آن بود که خاستگاه آن‌ها ناشناخته بود. نویسندگان باستانی بسیاری گفته بودند که آن‌ها از جایی در «شرق»، احتمالاً آسیای صغیر (ترکیه کنونی)، در عصری مدت‌ها فراموش شده، به ایتالیا آمده‌اند. اکثر دانشمندان جدید قدیمی‌تر این نظریه را بدون پرسشگری نقادانه چندان به سادگی پذیرفته بودند. این‌گونه پذیرش طبیعتاً پرسش‌های زیادی را پیش آورد که پاسخ دادن به آن‌ها دشوار بود. مثلاً خاستگاه اتروسک‌ها دقیقاً کجای شرق بود؟ چرا و چه وقت آن‌ها به ایتالیا مهاجرت کرده بودند؟ آیا آن‌ها اهالی بومی اتروریا، ناحیه واقع در شمال ایتالیا را که نام خود را از آن‌ها گرفت، تحت انقیاد درآوردند یا با آن‌ها درآمیختند؟

بیش از یک سده کار باستان‌شناختی پر زحمت نشان داده است که این پرسش‌ها اساساً بی‌معنی‌اند، زیرا نظریه‌ای که آن‌ها را پدید آورده تقریباً به طور قطع غلط است. همین که دانشمندان پذیرفتند که اتروسک‌ها ایتالیایی‌های بومی بوده‌اند، از اسرارآمیز بودن آن‌ها کاسته شد (البته نکات بسیاری در باره تمدن اتروسک هنوز ناشناخته باقی مانده است). باستان‌شناسان قبلاً بعضی حقایق اساسی را در باره تاریخ اولیه اتروریا، از جمله مراحل پیش از تاریخ و ارتباط‌های اولیه آن‌جا با یونانیان و سایر خارجیان دریافته بودند. این اطلاعات می‌توانستند در این زمان مستقیماً در مورد اتروسک‌ها به کار روند. به عبارت دیگر، اکنون اهالی اولیه اتروریا و اتروسک‌های اولیه یکی در نظر گرفته می‌شوند.

خاستگاه در آسیای صغیر؟

بحث بر سر خاستگاه اتروسک‌ها و راز پیرامون منشأ آن‌ها موضوع جدیدی نیست. در حقیقت، دانشمندان یونانی و رومی باستان نیز همین بحث را در باره اتروسک‌هایی که در میان آن‌ها سکونت داشتند، انجام می‌دادند. بیش‌تر این دانشمندان باستانی از نظریه